

خط زرد

پیشگیری از سرقت اموال فروشگاه

- کسبه ا قرار دادن اقلام فروشی در مقابل مغازه یا پیاده روها خودداری کنند، چرا که همین موضوع موجب وسوسه سارقان می شود.
- دوربین های مدار بسته فروشگاه را به صورت دوره ای کنترل و از عملکرد دقیق آن اطمینان حاصل کنید.
- وجه نقد بیش از حد متعارف را در فروشگاه نگذارید.
- سعی کنید معاملات را به صورت پول نقدی انجام ندهید.
- ورودی کانال های کولر را با حفاظ مسدود کنید.
- آذیر های حفاظتی را به گونه ای نصب کنید که به راحتی قابل تشخیص نباشد.
- از قفل های سوئیچی و کتابی استاندارد استفاده کنید.
- مغازه باید شب ها نیز نور کافی داشته باشد و درون آن دیده شود.
- در مغازه را از نوع کر که مشبک انتخاب کنید.
- هنگام قطع برق، موضوع را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهید تا از سرقت های احتمالی پیشگیری شود.

سر هنگ محمد بوستانی

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ازمیان خبرها

ورود دستگاه قضا به ماجرای از دواج دختر ۱۲ ساله در کرمان

تو کلی- با ورود دستگاه قضایی راهکارهای لازم برای جلوگیری از مداخلات خانوادگی در ازدواج دختر ۱۲ ساله اندیشیده شد.
معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان کرمان گفت: با ورود این معاونت و دستور مستقیم رئیس دادگاه عمومی فهرج موضوع اختلاف خانوادگی ناشی از مداخلات غیر معقول و غیر قانونی بستان دختر ۱۲ ساله برای ازدواج با فردی که علاقه ای به وی ندارد، در دستور کار فوری دادگاه عمومی فهرج قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ماسید مهدی قویدل افزود: در این زمینه با احضار دو طرف و صدور دستورات قضایی لازم برای مداخله فوری مشاوران و مددکاران معاونت اجتماعی نیروی انتظامی و اداره بهزیستی راهکارهای لازم برای حل موضوع و جلوگیری از تنش های بعدی ورود آسیب به این خانواده اتخاذ شد. وی با اشاره به طرح شایعات بی اساس درباره ازدواج اجباری دختر ۱۲ ساله کرمانی، خاطرنشان کرد: بر اساس سنت های خانوادگی، برخی اختلافات و مداخلات نابه جای برای ازدواج یک دختر انجام شده بود که با پیگیری قضایی این موضوع رفع شده است.

مرگ هولناک پسر بچه ۶ ساله در شعله های آتش

تو کلی- پسر بچه روستایی در میان شعله های آتش بی احتیاطی خود سوخت.

به گفته بنی ابراهیمی، بهخدا در مزی ر یگان، پسر بچه ۶ ساله اهل روستای سعدآباد این شهرستان به دلیل آتش گرفتن آغل گوسفندان در آتش سوخت. وی بیان کرد: این پسر بچه با بی احتیاطی و آتش زدن آغل گوسفندان در شعله های آتش گرفتار شد. بنی ابراهیمی با بیان این که نیروهای آتش نشانی در کوتاه ترین زمان به محل حادثه اعزام شدند، افزود: به دلیل گرمای شدید شعله های آتش، این پسر بچه به طرز دلخراشی جان خود را از دست داد.

مناقصه عمومی خرید چیلر

معاونت عمرانی آستان قدس رضوی در نظر دارد جهت پروژه در دست

احداث خود تعدادی چیلر را به شرح شرایط مندرج در اسناد مناقصه،

از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا متقاضیان واجد شرایط

می توانند جهت مشاهده و دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۵ به

دبیر خانه معاونت عمرانی آستان قدس به نشانی مشهد، چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان

قدس رضوی، معاونت عمرانی مراجعه یا با شماره تلفن ۰۱۱۲۶-۳۲۰۰-۰۵۱ تماس حاصل

نمایند. ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

آگهی مناقصه نوبت دوم

((واکذاری فروش، شارژ و توزیع کارت بلیت الکترونیک سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری نیشابور))
سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری نیشابور به استناد صورت جلسه شماره ۷۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۷ هیأت مدیره محترم سازمان در نظر دارد امور مربوط به فروش، شارژ و توزیع کارت بلیت الکترونیک ناوگان اتوبوس رانی را به مدت دو سال شمسی به شرکت های دارای صلاحیت واگذار نماید. از این رو شرکت های واجد شرایط می توانند برای دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۴ به این سازمان (نیشابور – بولوار کمربندی امام رضا (ع)- ساختمان اداری پایانه مسافربری مرکزی – واحد امور قراردادها) مراجعه و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۱-۴۲۲۵۵۷۰ داخلی ۲۶ تماس حاصل نمایند.

۱- سپرده شرکت در مناقصه: واریز مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۳۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت در مناقصه فروش، شارژ و توزیع کارت بلیت الکترونیک به شماره حساب ۱۲۷۷۶۱۲۲۳۲۶- نزد بانک ملی به نام سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری نیشابور یا ارایه ضمانت نامه بانکی معتبر به میزان مبلغ فوق.
۲- مهلت ارایه اسناد: از تاریخ نشر آگهی لغایت پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۴ می باشد.
۳- زمان بازگشایی پاکات مناقصه: روز یک شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۵ می باشد.
۴- ارزیابی کمی و کیفی و توان سنجی مناقصه گران به عهده سازمان می باشد.
۵- سازمان در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری نیشابور

فرمانده انتظامی خراسان رضوی با اشاره به دستگیری عاملان دستبرد به محموله طلا تشریح کرد:

راهزنی در پوشش «پلیس نامحسوس»!

بنابر این گزارش، بلافاصله جلسه تجزیه و تحلیل کارشناسی و تحقیقات میدانی گروه مشترک عملیاتی در اتاق سر هنگ ذوالفقاری (فرمانده انتظامی مه ولات) تشکیل و مشخص شد که سرخ های این دستبرد مسلحانه به کاشمر باز می گردد به همین دلیل و با هماهنگی های قضایی، دامنه ردیابی های اطلاعاتی زیر نظر سرگرد همتی (سرگروه کار آگاهان اداره

عملیات ویژه) گسترش یافت تا این که سرخ ها به سوی یک طلافروش در کاشمر کشیده شد چرا که بررسی های نامحسوس اطلاعاتی نشان می داد فرد یا افرادی اطلاعات حضور طلافروش در کاشمر را در اختیار تبهکاران گذاشته اند بنابر این عملیات پلیس در چندشاخه اطلاعاتی- عملیاتی در مه ولات و کاشمر ادامه پیدا کرد و گروه مشترک کار آگاهان به بررسی به گزارش اختصاصی خراسان، ساعت ۲۲ سیزدهم خرداد بود که خودروی سمند در مسیر حرکت از کاشمر به سوی مشهد به نزدیکی سه راهی شادمهر رسید. راننده و برادرش بیش از ۳ کیلوگرم طلا را درون خودرو حمل می کردند که ناگهان، سر نشینان زانتیا با آرم و نوشته «پلیس نامحسوس» از راننده سمند خواستند تا خودرو را متوقف کند. در حالی که سر نشین زانتیا با پوشش مامور پلیس راه از خودرو پیاده می شد راننده یک دستگاه پراید نیز سیرش را از پشت سر به سپر عقب سمند چسبانند تا دیگر راه گریزی نداشته باشد. راننده ۳۷ ساله که متوجه شده بود آن ها پلیس نیستند بلکه قصد راهزنی دارند بلافاصله قفل مرکزی را داماسر نشینان دو خودرو به سوی سمند حمله ور شدند و در حالی که سلاحی شبیه کلت در دست داشتند با چوب و چماق و چاقو، شیشه ها را شکستند و دوسر نشین سمندر ا بیرون کشیدند. آن ها پس از کتک کاری و حبشانه سر نشینان و ایراد ضرب و جرح با چاقو و چماق، آن ها را به حاشیه جاده بردند و دست و پا های شان را با طناب محکم بستند و سپس در تاریکی شب با سرعت محموله طلا، به مکان نامعلومی گریختند.

گزارش خراسان حاکی است، به دنبال وقوع این حادثه هولناک در جاده، بی درنگ سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) دستور داد گروه ورزیده ای از کار آگاهان اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی، رشته اصلی عملیات را به دست بگیرند و با استفاده از امکانات تخصصی کارشناسان اداره اطلاعات جنایی به یاری نیروهای انتظامی مه ولات و کاشمر بروند. طولی نکشید که با دستور سر هنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی) گروه زبده ای از کار آگاهان با هدایت و نظارت مستقیم سر هنگ محمدرضا جعفری دو عازم مه ولات شدند.

پژوپارس در بدرقه عروس ۳ تکه شد!

تماس بامداد دیروز با حضور نجاتگران آتش نشانی در محل مشخص شد، یک دستگاه خودروی پژو پارس که جزو کاروان بدرقه عروس و داماد بود به دلیل نامعلومی به شدت با گاردریل میانی بزرگراه برخورد کرد که این

حادثه به سه تکه شدن خودروی پژو پارس و مجروح شدن چهار سر نشین این خودرو منجر شد که بلافاصله نجاتگران آتش نشانی ضمن راه سازی افراد محبوس شده از لایه لای آهن

برادروی نیز در دستور کار قرار گرفت و آن ها هم در عملیات های جداگانه به دام افتادند.

متهمان در بازجویی ها، محل اختفای طلاهای سرقتی را لو دادند و اظهار کردند که طلاها را پلاستیکی، تعدادی پلاک سرقتی خودروها و غیره را کشف کردند. سردار محمد کاظم تقوی افزود: بررسی های مقدماتی پلیس حاکی از آن بود که دوست قدیمی و ۱۲ ساله شاکی نقشه این دستبرد ماهرانه را طراحی کرده با همدستانش

در میان گذاشته است. فرمانده حافظان امنیت در سرزمین خورشید افزود: شاکی بنکدار طلا بود و در روزهای مشخصی برای فروش طلا به کاشمر می رفت که این بار دوست قدیمی اش و سوسه شده و نقشه سرقت طلاها را کشیده بود. سر دار تقوی با اشاره به توقیف ۳ خودروی مورد استفاده در این دستبرد مسلحانه تصریح کرد: اعضای این باند قرار گذاشته بودند که بعد از ارتکاب جرم هیچ تماسی با یکدیگر نداشته باشند و طراح اصلی بعد از فروش طلاها مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به اعضای باند بپردازد.

سکandar امنیت در خراسان رضوی گفت: باید بنکداران، اتحادیه ها و دست اندر کاران امور مربوط به طلافروشی، راهکارهایی را برای انتقال صحیح طلا ببندیشند تا این گونه به دلیل سهل انگاری و رعایت نشدن اصول حفاظتی، امنیت مردم و جان طلافروشان به خطر نیفتند.

سردار محمد کاظم تقوی با قدر دانی از نیروهای عملیاتی این پیرونده، تاکید کرد: تحقیقات درباره دیگر افراد مرتبط با این ماجرا و شناسایی و دستگیری دیگر متهمان فراری در حالی همچنان با دستورات ویژه قضایی ادامه دارد

که بررسی ها نشان می دهد اعضای این باند خطرناک احتمالا در جریان خشن نافر جام دیگری نیز نقش داشته اند که باید مورد ریشه یابی قرار گیرد.



پاره های این وسیله نقلیه، چهار سر نشین این خودرو را که دو زن و دو مرد بودند و به طرز معجزه آسایی زنده مانده بودند برای انتقال به بیمارستان تحویل تکنیسین های اورژانس

فرمانده انتظامی خراسان رضوی با اشاره به دستبرد به محموله طلا تشریح کرد:

پلیس نامحسوس»!



عکس ها اختصاصی از خراسان

دادسراهای مه ولات و کاشمر به گروه مشترکی از کار آگاهان زبده سپرده شد و آن با دستگیری همه اعضای این باند بیش از یک کیلو و ۵۰۰ گرم مواد مخدر، تجهیزات پلیسی، اسلحه پلاستیکی، تعدادی پلاک سرقتی خودروها و غیره را کشف کردند. سردار محمد کاظم تقوی افزود: بررسی های مقدماتی پلیس حاکی از آن بود که دوست قدیمی و ۱۲ ساله شاکی نقشه این دستبرد ماهرانه را طراحی کرده با همدستانش در میان گذاشته است. فرمانده حافظان امنیت در سرزمین خورشید افزود: شاکی بنکدار طلا بود و در روزهای مشخصی برای فروش طلا به کاشمر می رفت که این بار دوست قدیمی اش و سوسه شده و نقشه سرقت طلاها را کشیده بود. سر دار تقوی با اشاره به توقیف ۳ خودروی مورد استفاده در این دستبرد مسلحانه تصریح کرد: اعضای این باند قرار گذاشته بودند که بعد از ارتکاب جرم هیچ تماسی با یکدیگر نداشته باشند و طراح اصلی بعد از فروش طلاها مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به اعضای باند بپردازد.

سکandar امنیت در خراسان رضوی گفت: باید بنکداران، اتحادیه ها و دست اندر کاران امور مربوط به طلافروشی، راهکارهایی را برای انتقال صحیح طلا ببندیشند تا این گونه به دلیل سهل انگاری و رعایت نشدن اصول حفاظتی، امنیت مردم و جان طلافروشان به خطر نیفتند.

سردار محمد کاظم تقوی با قدر دانی از نیروهای عملیاتی این پیرونده، تاکید کرد: تحقیقات درباره دیگر افراد مرتبط با این ماجرا و شناسایی و دستگیری دیگر متهمان فراری در حالی همچنان با دستورات ویژه قضایی ادامه دارد

که بررسی ها نشان می دهد اعضای این باند خطرناک احتمالا در جریان خشن نافر جام دیگری نیز نقش داشته اند که باید مورد ریشه یابی قرار گیرد.

پاره های این وسیله نقلیه، چهار سر نشین این خودرو را که دو زن و دو مرد بودند و به طرز معجزه آسایی زنده مانده بودند برای انتقال به بیمارستان تحویل تکنیسین های اورژانس

حاضر در محل دادند. این گزارش می افزاید؛ علت دقیق این سانحه عجیب را ندکی توسط کارشناس پلیس راهور در دست بررسی است.

نمایندگی رسمی جذب آگهی خراسان

بازاریاب استخدام می نماید:

شیفت صبح (۸:۳۰ الی ۱۵) **با طرح درآمدی مناسب**

همراه با آموزش **طرح های انگیزشی و جذاب**

حقوق مناسب + پورسانت عالی

جهت کسب اطلاعات بیشتر و انجام مصاحبه

تلفن پاسخگویی: ۰۹۹۵۶-۳۷-۳۸۴۵۴۱۱۷ **فقط ارسال رزومه به شماره: ۰۹۱۰۵۵۰۱۷۸۳**

۰۹۹۰۱۱۵۵۵

۰۹۹۰۲۰۱۷۷

((آگهی مناقصات عمومی یک مرحله ای))					
شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد با رعایت مفاد آیین نامه معاملات شرکت های آب و فاضلاب شهری و استانی و از طریق مناقصات عمومی عملیات مشروحه ذیل را به پیمانکاران ذیصلاح واگذار نماید .					
ردیف	موضوع	مدت اجرا	مبلغ برآورد اولیه به ریال	مبلغ تقصیم فرآیند ارجاع کار به ریال	نوع تقصیم شرکت در مناقصه
۱	اجرای عملیات اصلاح شبکه و نصب مجدد اتشعبات آب بصورت پراکنده در سطح منطقه ۴ فاز ۱	۱۲ ماه	۱۲/۹۷۷/۰۰۰/۰۰۰	۴۵۵/۰۰۰/۰۰۰	۱. واریز نقدی به حساب جاری شماره ۱۰۰۰۵۰۰۰۰ بانکی پاسارگاد شعبه آبفای مشهد
۲	اجرای عملیات اصلاح شبکه و نصب مجدد اتشعبات آب بصورت پراکنده در سطح منطقه ۴ فاز ۲	۱۲ ماه	۱۲/۹۷۷/۰۰/۰۰۰	۴۵۵/۰۰۰/۰۰۰	۲. ضمانتنامه بانکی ۳. اوراق مشارکت ۴. چک تقصیم شده بانکی

۱. کارفرما: شرکت آب و فاضلاب مشهد
۲. محل تأمین اعتبار: از محل طرحهای غیر عمرانی
۳. تاریخ دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۳۹۹/۴/۲ لغایت ۱۳۹۹/۴/۲۴
۴. تاریخ تحویل پاکات مناقصه تکمیل شده: پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۷
۵. محل تسلیم پاکات مناقصه: مشهد، خیابان فلسطين، فلسطين ۲۶، دبیرخانه مرکزی شرکت آب و فاضلاب مشهد.
۶. مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت سه ماه می باشد.
۷. هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصات می باشد.

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد

۰۹۹۰۲۰۲۶۶

حوادث

۹

در امتداد تاریکی

وقتی پای منقل نشستم!

دیروز که برای اولین بار برای استعمال مواد مخدر پای منقل نشستم، گذشته ام همچون فیلمی از مقابل چشمانم عبور کرد... چرا که همین مواد مخدر بود که زندگی ام را سوزاند و نابود کرد...

مرد ۳۷ ساله با مرور خاطره تلخ یک روز سرد زمستانی به کارشناس اجتماعی کلانتری شقای مشهد گفت: پدرم معتاد و بیگار بود و مادرم از کارگری در خانه های مردم تنها می توانست شکممان را سیر کند. اجاره خانه مان چندین ماه عقب افتاده بود. صاحبخانه دیگر نمی توانست صبر کند و تمام وسایل خانه را داخل کوچه ریخت. هوا سرد بود و بر ف می بارید. خواهر و برادر ام گریه می کردند. مادر مستاصل، تنها به صاحبخانه التماس می کرد که فرصتی بدهد تا اجاره خانه را بپردازیم. پدرم که با اعتیاد به مواد مخدر ته مانده غیرتش را نیز چال کرده بود، مثل همیشه نبود که نبود. مرد خانه من بودم، کودک ۱۱ ساله که فقر و اعتیاد کودک اش را فرزندیده بود. برایم سخت بود که اشک ها و التماس های مادرم را ببینم. با جته کوچکم به سمت درصاحبخانه حمله کردم اما او مرا به گوشه ای هل داد و به زمین افتادم. تمام لباس هایم از آب برف و باران خیس شده بود. مادر مرا در آغوش گرفت تا آرام کند. آن شب، من و خواهر و برادر ام سفره غذایمان را بالای سرمان گرفتیم تا برف روی سرمان نیارد و اگر زن همسایه دلش نمی سوخت و پناه مان نمی داد، باید در برف و سرم شب را به صبح می رساندیم.

در آن شب زمستانی، با اشک ها و التماس های مادر م کنتکی که از مرد صاحبخانه خوردم، کودک ام را دیگر تمام شد. به خودم قول دادم که تمام تلاشم را خواهم کرد تا به پول و ثروت دست یابم و خانواده ام را از این بدبختی نجات دهم. به خودم قول دادم وقتی به پول و ثروت رسیدم، با فقیرترین دختر شهر از دواج کنم تا او را به آرزوهایش برسانم. می خواستم آرزوهای دست نیافته دوران کودکی خودم را جبران کنم!

بدین ترتیب در س و تحصیل را راه کردم و مشغول به کار و خدمت. برای خانواده ام خانه ای اجاره کردم و خرج و مخارج زندگی آن ها و حتی هزینه اعتیاد پدرم را نیز پرداخت می کردم. در همین بین، مادرم به بیماری سرطان مبتلا شد و از دنیا رفت. از این که نتوانستم مادرم را به آرزوهایش برسانم ناراحت بودم. دوست داشتم مادرم را در قصر بنشانم و تمام سختی هایش را جبران کنم!

خلاصه، به ۱۵ سالگی که رسیدم دیگر کار و بارم سکه شده بود و تصمیم به ازدواج و تشکیل خانواده گرفتم. یادقولی اقدام که به خودم داده بودم «می خواستم با فقیرترین دختر شهر از دواج کنم»...! به ناگاه به یادشرف افتادم. آن زمان که در حاشیه شهر سکونت داشتیم، در انتهای کوچه بن بستی همسایه مان بودند. اشرف چشمان عسلی رنگ بسیار زیبایی داشت و پدرش همانند پدر من به مواد مخدر اعتیاد داشت. او همبازی دوران کودکی ام بود.

خلاصه، با پرس و جوهای فراوان خانه اشرف را یافتم. هنوز در همان محله قدیمی سکونت داشتند. پدرش خانه اترک کرده بود و مادرش موافقش می کرد. با خودم گفتم ملک فقیر نامی و ناجی می روم و زندگی اشرف نجات می دهم. بنابر این پدر و خواهرم را به خواستگاری اش فرستادم. غریبه و آشنا و دوست و فامیل همگی توصیه می کردند که از این تصمیم صرف نظر کنم، اما من می خواستم پای قولی بایستم که به خودم داده بودم!! از طرفی، چشمان عسلی رنگ اشرف از کودکی اش بیاتر شده بود و من انگار عاشق آن چشم ها شده بودم.

خلاصه، صیغه عقد بین من و اشرف جاری شد و شش ماه بعد زندگی مشترکمان را آغاز کردیم. از اشرف چیزی نخواستم. خانه ای باتمام امکانات تهیه کردم. تمام چیزیه و وسایل خانه را نیز خودم خریدم. چندماه بعد اشرف باردار شد. از این که داشتم پدری می شدم خوشحال بودم اما وقتی بسرم زودتر از موعد متولد شد، دکتراحعالج در بیمارستان پرده از رازی برداشت که تمامی باور ها و آرزوهایم فروریخت: «اشرف به مواد مخدر اعتیاد دارد». وقتی این موضوع را با اشرف مطرح کردم او با گریه گفت که اشتباه کرده و قول می دهد که ترک کند. اشرف را دوست داشتم بنابر این حرفش را باور کردم و خواستم که کمکش کنم. او را به بهترین مراکز درمانی ترک اعتیاد بردم اما مدتی بعد از ترخیص از بیمارستان دوباره به مصرف مواد مخدر روی می آورد. در طول ۱۲ سال زندگی مشترکم با اشرف شاید نزدیک به ۲۰ بار او را ترک دادم اما مجدد مصرف مواد مخدر را آغاز می کرد. گاهی که خمار می شدم پسر ۱۰ ساله ام را می قدر تک می زد که چندین بار مجبور شدم او را به بیمارستان ببرم. برخی اوقات به ناچار خودم برایش مواد مخدر تهیه می کردم تا این که چندی پیش متوجه شدم همسرم با یکی از سابقان مواد مخدر وارد رابطه شده و به من خیانت می کند. وقتی پیامک های شان را در گوشی اشرف دیدم نتوانستم تحمل کنم و او را از خانه بیرون کردم. آن قدر فشار روانی بر من وارد آمد که منقل را به پا کردم تا با استعمال مواد مخدر کمی به آرامش دست یابم اما وقتی چشمانم به چشمان پسر ۱۰ ساله ام افتاد، سرمگین شده بودیاد آن روز سرد زمستانی دوران کودکی ام افتادم که...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی